

عطف

تئاتر زندگی روزمره

● **شرق:** «درخواست کار» نمایش‌نامه‌ای است از میشل ویناور. نمایش‌نامه‌نویس فرانسوی که با ترجمه زیبا خادم‌حقیقت در نشر بیدگل به چاپ رسیده است. ویناور از نمایش‌نامه‌نویسان مشهور فرانسوی است که در تئاتر معاصر فرانسه جایگاه معتبری دارد و آثارش توسط کارگردانان مطرحی به روی صحنه رفته‌اند. ویناور با نام اصلی گرنبِرگ، در سال ۱۹۲۷ در پاریس متولد شد و جزء معدود نمایش‌نامه‌نویسانی است که در زمان حیاتش آثارش در کمدی فرانسز اجرا شدند. ویناور در حالی به تئاتر و ادبیات نمایشی روی آورد که در سال ۱۹۵۳ به‌عنوان مشاور حقوقی در شرکت ژیلت مشغول به کار شد و در سال ۱۹۶۶ به مقام مدیرعاملی شعبه این شرکت در فرانسه رسید.
بااین‌حال، دغدغه اصلی ویناور نوشتن بود و کارکردن در شرکت ژیلت این استقلال مالی را به او داد تا بتواند با خیالی آسوده به سراغ تئاتر و نویسندگی برود. کارکردن در شرکتی تجاری مزیتی دیگر هم برای او داشت. مترجم «درخواست کار» در بخشی از مقدمه‌اش به این نکته اشاره کرده که آشنایی او با دنیای تجارت و اقتصاد باعث شده بود که او مکانیسم‌های پیچیده سرمایه را دریابد و در آثارش «بر باد رفتن ارزش‌های انسانی و نیروی‌تأثیر افراد و دنیای کار را در دنیای امروز با استادی تمام» به تصویر بکشد.ویناور در دهه پنجاه میلادی در مان نوشت و آثاری از الیوت، گورکی، شکسپیر و… را ترجمه کرد. پس از این بود که او به سراغ نمایش‌نامه رفت و ادبیات نمایشی را به‌عنوان بهترین عرصه برای بیان افکارش انتخاب کرد. ازاین‌رو به سراغ نوشتن نمایش‌نامه رفت و در طول پنج دهه به‌عنوان نمایش‌نامه‌نویس در تئاتر فرانسه حضور داشت و در سال ۲۰۰۶ جایزه بزرگ تئاتر آکادمی فرانسه را به دست آورد.
مترجم «درخواست‌کار» در بخشی از مقدمه‌اش درباره نمایش‌نامه‌نویسی ویناور نوشته: «زمانی که ویناور نمایشنامه‌نویسی را آغاز کرد، فضای حاکم بر تئاتر فرانسه هم به‌شدت تحت‌تأثیر تئاتر اِسورد یعنی آثار بکت و یونسکو و آدامسف بود و هم، به همان شدت، متأثر از تئاتر سیاسی برشت و سارتر و کامو. اما او خود را همسوی هیچ‌ک از این دو جریان نمی‌دید، چراکه برای انعکاس زمانه خود در جست‌وجوی زبانی تازه در قالب فرم‌های نوین بود. ویناور در دهه هفتاد و در کنار نمایشنامه‌نویسان دیگری چون میشل دویچ و ژان- پل ونژل آثاری خلق کرد که تحت عنوان تئاتر زندگی روزمره شناخته می‌شوند. ولی به تدریج از این گروه فاصله گرفت و، در نهایت، صاحب قلمی می‌شود که مختص خود اوست و همه چیز برایش از کلام و کار بر روی زبان آغاز می‌شود: حرکت من از کلام است، هر کلامی، کلامی، به شکلی افراطی، معمولی، کلامی به شکل افراطی، هر کلامی، نقطه حرکت من، همواره، پیش‌یافتادگی درآشفته‌گی است. و نمی‌تواند غیر از این چیز دیگری باشد».
مترجم این نمایش را نیز می‌دهد که ویناور برای دگرگون‌کردن این پیش‌یافتادگی که به آن اشاره می‌کند، به سراغ کلاژ و مونتاژ این کلام می‌رود تا سادگی نهفته در آن را به پیچیدگی هولناک و مضطرب‌کننده تبدیل کند و فرم «چندصدایی» را جانشین دیالوگ‌نویسی مرسوم می‌کند. ویناور برای چگونه خوانده‌شدن آثارش اهمیت زیادی قائل است و در آثارش علائم سجع‌آلودی را کنار می‌گذارد تا خواننده یا بازیگر مقید به رعایت ریتمی ازپیش‌تعیین‌شده نباشد و آزادانه با متن روبه‌رو شود.نمایش‌نامه «درخواست کار» اولین‌بار در سال ۱۹۷۲ در بخش تئاتر باز جشنواره اوپنینو اجرا شد. این اجرا واکنش‌های متفاوت و متضادی به همراه داشت. ویناور زمانی «درخواست کار» را نوشت که سال‌ها از عمر نویسندگی‌اش می‌گذشت اما بااین‌حال او در این اثر قصد داشت مخاطبش را تا جای ممکن شگفت‌زده و دچار عکس‌العمل‌های متضاد کند. «درخواست کار» نمایش‌نامه‌ای است در سی قطعه و به قول مترجم انتخاب کلمه قطعه که اصطلاحی مربوط به موسیقی است نه از سر تصادف که عامدانه و آگاهانه است. ویناور در این مورد نوشته: «من کم‌کم به این نتیجه می‌رسم آنچه من می‌کنم بیش از آنکه نمایش باشد تئاتری شنیداری است، تئاتری که هنوز کارگردانی را نیافته است که علاقه‌مند باشد سلسله‌مراتب را در هم بریزد و به بُعد سمعی اولویت بدهد». «درخواست‌کار» چهار شخصیت دارد که بی‌وقفه در صحنه حضور دارند و درواقع این چهار شخصیت به‌عنوان چهار سازمدام در صحنه‌اند و «خالق اثر آن را چون دفتر نت برای اجرای کوارتو» نوشته است. در این نمایش‌نامه، مردی با نام فُژ، در میان سالی مجبور به استعفا شده و درواقع سه ماه است که از کارش برکنار شده است. او با بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی روبه‌رو است و می‌خواهد با یافتن شغلی جایگاه اجتماعی‌اش را نو پیدا کند. اما ماجرا هرچه پیش می‌رود به بحران‌های فُژ اضافه می‌شود تا جایی که حتی ماهیت انسانی او به چالش کشیده می‌شود.

درخواست‌کار

میشل ویناور

ترجمه زیبا

خادم‌حقیقت

نشر بیدگل



شرق: نخستین شعرهایش را هوشنگ گلشیری چاپ کرده است: ضیاء موحّد، منطق‌دان، اهل فلسفه، مترجم و منتقد ادبیات می‌گوید: «گلشیری همیشه از من طلبکار شعر بود و شعرهایم را یادداشت می‌کرد و پوشه شعرهایم را داشت و اگر او نبود من اصلاً شعرهایم را چاپ نمی‌کردم. او بود که مرتب سراغ می‌گرفت و تشویق می‌کرد.» حکایت چاپ نخستین مجموعه‌شعر ضیاء موحّد با عنوان «بر آب‌های مرده مروارید» که در دهه پنجاه درمی‌آید، از این قرار است که او عازم خارج از کشور بوده و به‌قول خودش عین خیالش نبوده که یک مجموعه‌شعر دارد و می‌تواند آن را چاپ کند. گلشیری و دوستان دیگری که در وعده‌های مشخص دور هم جمع می‌شدند، از او می‌خواهند تا شعرهایش را به آنها بیاورد: «گفتم می‌خواهید چه‌کار؟ گفتند حالا بده پیش ما باشد شاید هواپیمایت سقوط کرد!» موحّد شعرهایش را به آنان می‌دهد و آن دوستان هم شعرها را در کتابی با عنوان «بر آب‌های مرده مروارید» با طرحی از ممیز چاپ می‌کنند و به دستش می‌رسانند. بعد از آن موحّد به‌گفته خودش بیشتر بر فلسفه تمرکز می‌کند: «دوران فلسفه‌خواندنم بود و طبعاً تعهداتی هم داشتم چون با بورس دولتی رفته بودم و رشته‌ای هم که انتخاب کرده بودم رشته آسانی نبود و باید وظیفه‌ام را انجام می‌دادم». موحّد به این اعتبار سالیانی در مؤسسه حکمت و فلسفه ایران کار کرد و در این سال‌ها چند مجموعه‌شعر نیز به چاپ سپرد، ازجمله «و جهان آبستن زاده شد»، «مشتی نور سرد»، «نردبان اندر بیابان»، «غراب‌های سفید» و «بعد از سکوت». او با چاپ قریب‌به شش مجموعه‌شعر در طول چهار دهه و اندی شاید شاعری کم‌کار نبماید، اما کیفیت شعرهای او نشان می‌دهد که او شاعری گزیده‌کار است که با ظرافت و دقت بسیار می‌نویسد و به چاپ می‌سپارد. در شعرهای موحّد ما با ظرافت‌ها و حساسیت‌های زبانی بسیاری مواجهیم بی‌آنکه زبان‌آوری شاعر خود را به رخ بکشد. حساسیت‌های زبانی در شعرهای موحّد درونی شعر است. از این‌رو با تمام اشتغلات فکری، سرودن شعر نزد موحّد هرگز تفتن نبوده است. برای موحّد وزن شعر هم مسئله مهمی است که همواره به آن توجه داشته است: «وقتی شعری در ذهن من جرقه می‌زند اگر خودبه‌خود موزون بیاید این وزن تا حدی حفظ می‌شود. گاهی هم البته حفظ نمی‌شود. قصدم از قبل این نیست که شعرم به وزن عروضی باشد یا نباشد. این است که شعر من گاهی شعر آزاد یا شعر سپید است و گاهی هم نه. هیچ تعمدی در کار نیست». ضیاء موحّد ایکن در آستانه ۷۷ سالگی و قریب‌به چهار سال است که بازنشسته شده است. او دانش‌آموخته فیزیک و فلسفه است و دکترای خود را در رشته فلسفه از یونیورسیتی کالج لندن دریافت کرده است. در این حوزه‌ها هم آثاری تألیف کرده است از جمله «فلسفه و منطق»، «منطق موجّهات»، «واژگان توصیفی منطق»، «مهارت‌های منطق جدید از ارسطو تا گودل»، «درآمدی بر منطق جدید» و «تأملاتی در منطق ابن‌سینا و سهروردی». در زمینه پژوهش ادبیات و ترجمه نیز آثاری در کارنامه او هست: «شعر و شناخت» که مجموعه‌مقاله‌های ادبی است، پژوهش‌هایی در شعر قدیم ازجمله کتاب «سعدی» و «دیروز و امروز شعر فارسی» شامل بیست مقاله و دو گفت‌وگو در زمینه شعر و نقد ادبی، «البته واضح و مبهرن است که…»، «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر» و «شعر و شناخت». در حوزه ترجمه نیز او دو کتاب مهم و بنیادی در حوزه نقد ادبی دارد: «منتقدان فرهنگ» لژلی جانسون و «نظریه ادبیات»، رنه ولک و استین وارن با همکاری پرویز مهاجر. او خود در شعری با عنوان «کتابخانه» این گفت‌وگوی منطق و فلسفه و ادبیات و شعر را به تصویر می‌کشد: «هر شب کتابخانه من باز است/ و شاعران و منطق‌دانان/ با یکدیگر در آنجا بحث می‌کنند/ وقتی که کار بالا می‌گیرد/ با خشم/ دست‌پکی از آنان را می‌گیرم/ و از/ کتابخانه به بیرون پرتاب می‌کنم/ گاه تا سپیده‌دمان باهم/ در کوچه‌های شهر قدم می‌زنیم/ گل می‌گوییم و گل می‌شنویم».

چند روز پیش به‌مناسبت روز جهانی فلسفه، بزرگداشتی در مقام علمی استاد ضیاء موحّد تدارک دیده شده بود. در این مراسم که روز بیستم آبان در خانه اندیشمندان علوم انسانی و با همکاری دبیرخانه جشنواره بین‌المللی فارابی و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

ادبیات

بزرگداشتی برای ضیاء موحّد، شاعری که منطق می‌داند

باید قضیه را جدی گرفت



برگزار شد، غلامرضا اعوانی، شهرام یازوکی، غلامرضا ذکیانی، اسدالله فلاحتی، حسین معصومی‌همدانی، مهدی مظفری‌ساوجی و محسن ملکی درباره وجوه مختلف شخصیت و کار ضیاء موحّد سخن گفتند. به گزارش روابط عمومی خانه اندیشمندان علوم انسانی، در این مراسم غلامرضا اعوانی، استاد فلسفه گفت که استاد موحّد در منطق، کار استانی کرده، کارهای دیگر ایشان جای خود دارد. «کار جهان منطق است و منطق اساس قانون است، علوم بدون منطق چیزی نیست، بنابراین تمدن اسلامی وقتی شکوه و عظمت داشته که منطق هم در آن در سطح بالا بوده است. ما افرادی که هم شاعر، هم ادیب و هم منطق‌دان باشند، کم داریم. ایشان این دو ضد را با هم جمع کرده است». حسین معصومی‌همدانی، از دوستان و همکاران قدیم موحّد هم معتقد است گفتن اینکه آقای موحّد شخص نادری است، اغراق نیست. «ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که ارتباطمان با گذشته خیلی متزلزل است و از طرفی فرهنگ جدید را خیلی جدی نمی‌گیریم». معصومی‌همدانی با اشاره به خساراتی که این وضعیت در علوم انسانی به وجود آورده و در همه‌جا آشکارتر است گفت که دکتر موحّد در تمام عمرش ارتباطش با فیزیک، فلسفه و فرهنگ و علم سنتی قطع

شکفتن در مه

محمود معتقدی: همه صداها باید شنیده شود

علیرضا آیین: فضای شعر امروز مغشوش است

او با اشاره به تأثیر جویایز ادبی بر فضای ادبی می‌گوید نمی‌توان تأثیرات شکفت‌انگیزی را از جایزه‌ها توقع داشت. «برخی می‌گویند چرا جایزه شاملو باعث پرورش‌شدن کتاب برگزیده نشده است. واقعیت این است که شعر در همه دنیا فروش چندانی ندارد و نباید انتظار خاصی هم از یک جایزه ادبی داشت». آیین معتقد است فضای شعر امروز فضای مغشوشی است که می‌تواند محدودیت‌هایی برای جویایز ادبی ایجاد کند. فضایی مه‌آلود که جویایز را وامی‌دارد معیارهایی خارج از ادبیات را هم در انتخاب‌هایشان لحاظ کنند. «ما از یک سو با محدودیت‌هایی در زمینه ممیزی روبه‌رو هستیم و از سوی دیگر با محدودیت‌های اقتصادی، سیاست‌های موجود، جویایز را به درنظرگرفتن معیارهایی خارج از حوزه ادبیات معطوف می‌کند و باعث می‌شود تصویر ما از ادبیات و شعر این دوره با واقعیت آن همخوانی نداشته باشد. در زمینه اقتصادی هم ناشران استقبال زیادی از چاپ کتاب شعر نمی‌کنند و بیشتر به سمت شبه‌شعر گرایش دارند که خواننده تضمین‌شده‌ای دارد».

محمود معتقدی نیز با اشاره به تأثیر جویایز بر شاعران دور از مرکز می‌گوید: همه صداها باید شنیده شود. «شاعران شهرستانی اغلب امکان دیده‌شدن و ادامه کار ندارند و جویایزی مثل جایزه شعر شاملو چنین فرصتی را برای باورمندی در آنها ایجاد می‌کند. اینکه کتاب‌های شعر ناشری در اهواز یا هر شهرستان دور و نزدیک دیگر فرصت پیدا می‌کنند تا با شرکت در جویایز ادبی ازجمله جایزه شعر شاملو بیشتر دیده شوند، بسیار باعث خوشحالی است. اما اینها حرکت‌های محدودی است و متأسفانه اغلب این ناشران وضعیت چندان خوبی ندارند که این موضوع عرصه را برای شاعران دور از پایتخت تنگ می‌کند». او هر حرکتی را که به سود شعر و ادبیات باشد، فرصت خوبی برای ایجاد نشاط فرهنگی می‌داند و باور دارد که جایزه شعر شاملو هم تاکنون در این مسیر بی‌تأثیر نبوده است. معتقدی با تأکید بر اینکه جایزه شاملو نیز مثل هر جایزه دیگری برای بهبود هر چه بیشتر شیوه‌هایش گذر زمان نیاز به بازبینی و بازاندیشی در شیوه‌های داوری و برگزاری خود دارد، پیشنهاد داد که در این جایزه بخشی هم به شاعران پیش‌کسوت اختصاص داده شود.

مروار

اجراهای زنانه تئاتر مدرن

● **تک‌گویی‌های مدرن برای زنان** عنوان کتابی است از کریس سالت که به تازگی با ترجمه محسن کاس‌نژاد در نشر بیدگل منتشر شده است. کریس سالت نویسنده، کارگردان تئاتر و کارگردان هنری گروه نمایشی «صفحه‌های خالی… و شوروشوق» است و عمدتاً به کارگردانی‌های پرهزینه در زمینه تئاتر شهرت دارد. سالت با بسیاری از نویسندگان برجسته تئاتر انگلستان همکاری کرده و جز این کتاب‌های متعددی هم در زمینه اجرا و بازیگری نوشته است. یکی از آثار او با عنوان «کارآمدکردن بازیگری» در بین بازیگران مشهور و مورد استفاده بوده است. سالت مجموعه‌ای از کتاب‌های تک‌گویی‌های نمایشی هم منتشر کرده که عمدتاً با هدف همسوزدن هنرجویان رشته تئاتر با قطعه‌های قابل اجرا در آزمون‌های نمایش تدوین شده‌اند.مدتی پیش یکی دیگر از کتاب‌های این مجموعه با عنوان «تک‌گویی‌های کلاسیک برای مردان» با ترجمه غلامرضا شهبازی در نشر بیدگل به چاپ رسیده بود. این کتاب گزیده‌ای از چهل تک‌گویی در خشان کلاسیک برای بازیگران است که از نمایشنامه‌های مهم درام‌نویسان شاخص دوره‌های مختلف انتخاب شده‌اند.اما «تک‌گویی‌های مدرن برای زنان»، گزیده‌ای است از تک‌گویی‌هایی که از نمایشنامه‌های معروف نیمه دوم سده نوزدهم تا دهه ۱۹۷۰ برگرفته شده و به قول مقدمه کتاب، «استگاهی است کوتاه برای دیدار با بسیاری از نمایشنامه‌نویسانی که به کمک هم در درازنای این راه پرچم تئاتر مدرن را برافراشته‌اند». سالت در این کتاب قطعه‌هایی را انتخاب کرده که مهارت و قوه خیال خواننده را درگیر می‌کنند و تا جای ممکن کوشیده قطعه‌های گوناگونی را بر حسب شخصیت، سن، سبک و درون‌مایه به دست دهد.سالت در بخشی از مقدمه‌اش درباره این کتاب نوشته: «هدف من همسوزکردن شما با قطعه‌های مصاحبه است، که نه تنها برای خودتان مناسب‌اند، بلکه به کار مصاحبه‌ای که پیش‌رو دارید هم می‌آیند، بدین‌ترتیب، می‌توانید ویژگی‌های کیفی خاص خود را به عنوان هنرمند به شخصیتی بدهید که برگزیده‌اید. هنگامی که شما را برای آزمون (عملی) بازیگری فرامی‌خوانند، یا از شما می‌خواهند تا متنی را با خون‌سردی بخوانید… و یا می‌خواهند متنی را از قطعه‌هایی که قبلاً روی آثار کار کرده‌اید برایشان اجرا کنید. بنابراین، لازم است پیشاپیش چند قطعه نمایشی را در نزد خود آماده داشته باشید؛ یک قطعه کلاسیک و یک قطعه معاصر معمولی برای ورود به مسه تئاتر، و یا قطعه‌ای برای آزمون نمایش، گروه‌های فرعی تئاتر و یا حتی برای یک کارگزار، به هر روی، کاوش در متن نمایش‌نامه و با اجرای یک تک‌گویی –حتی بی‌هیچ هدفی– تجربه‌ای ارزشمند خواهد بود. چنین تمرینی ذهن شما را یویا می‌کند و گوهر خفایه درونتان را زنده نگه می‌دارد». سالت در این کتاب پیشنهادده پيشنهادهایی به بازیگران تئاتر بدهد و این پیشنهادها هم می‌تواند برای آزمون‌های نمایشی به کار بیایند و هم مورد استفاده بازیگران حرفه‌ای قرار بگیرند. او کوشیده تا رهنمودهایی ساده برای اجرا و به عبارتی «دند سرخ‌نم‌ها در زبان و نگو» و «از آنکه»، در این کتاب سالت تک‌گویی‌ها را بر اساس ترتیب سنی آورده است و کتاب از کم‌سن‌وسال‌ترین شخصیت‌ها آغاز می‌شود و با سالخوردن‌نشان پایان می‌گیرد.در این کتاب، تک‌گویی‌هایی از آثار مختلف نمایشی آورده شده و در میان آثار چهره‌هایی چون آگوست استریندبرگ، آرنولد وسکر، جورج برنارد شاو، برنولت برشت، اوژن یونسکو، مارگریت دوراس، اکاتا کریستی، دوریس لسینگ، ژان ژنه، دیوید ادگار، ژان آتوی، جان مورتیمر، تنسی ویلیامز، ماکس فریش، ادوارد آلبی، پیتلر شفر، اسکار وایلد، لورکا، پیتلر، بریاندلو، ژان ژیرودو و آلفرد ژاری دیده می‌شود. کتاب با تک‌گویی «مادامال زولی» از استریندبرگ آغاز می‌شود. بسیاری استریندبرگ را پدر تئاتر قرن بیستم می‌دانند. آن‌طور که کتاب توضیح داده، استریندبرگ «با دعوت از بازیگرانش برای نزدیک‌شدن به اجراهای رئالیستی، الگوی سنت کلاسیک تصنعی (ساخنگی) سده نوزدهم را در هم شکست و تغییر داد. استریندبرگ مادامال زولی را به عنوان نخستین تجربه از سری تاز‌آدی‌های رئالیستی توصیف می‌کند که در آن دیالوگ‌ها به شدت معاصر هستند». ماجرای این نمایش‌نامه در یک مهمانی نیمه‌شب تابستان رخ می‌دهد، در خانه اشرافی بزرگی که به پدر خانم زولی تعلق دارد. سالت در بخشی تک‌گویی‌ای از مادامال زولی را برگزیده و در توضیح آن نوشته: «خانم زولی همچون جانوری در قفس، با آتش و نفرت می‌غرد و دندان بر هم می‌ساید، و نومیدانه، با بهره‌گیری از نیش‌دارترین زبان، بر موقعیت پاراپاره‌اش پای می‌فشارد، و پست‌ترین رخدادها را با ناخوشایندترین پیامدها رقم می‌زند. حتی هنگامی که صدای بازگشت کالسکه پدرش را می‌شنود، از پریدن پرخطره نزدیک شعله‌های آتش دست برنمی‌دارد. اما کمک ژان هم نمی‌کزد. آتستی‌نابذیرانه نگاه می‌کند و آتش خشم او را با بی‌تفاوتی‌اش برافروخته‌تر می‌سازد. هیچ راه گریزی برای خانم زولی نیست. اگر به همراه ژان برود، زندگی‌اش به پیش‌شدت و مردی گره می‌خورد که دیگر هیچ میلی به او ندارد. اگر بماند، خطر آشکارشدن راز و بی‌آبرویی وجود دارد».



تک‌گویی‌های مدرن برای زنان

ویراسته کریس سالت

ترجمه محسن کاس‌نژاد

نشر بیدگل